



معاد

# عالم برزخ

شدید اشک از چشمانش سرازیر گردید و فرمود: «یا علی اگر او مادر تو بود مرا نیز مادر بود و اکنون این عمامه من و این هم دو قطعه از لباسهای مرا برگیر و اینها را کفن او قرار بده و به تعدادی از زنیهای مدینه بگو تا پیکر او را با نیکویی و مراقبت لازم و کامل غسل بدهند، از آن پس آنها را زجا حرکت ندهید تا من بیایم که انجام مراسم او بعهده من است».

پس از اینکه کار غسل و تکفین او انجام یافت حضرتش تشریف آوردند و دستور حرکت جنازه فاطمه را صادر فرمودند و با تجلیل و احترام خاصی به تشییع آن پرداختند تا اینکه آنها برای اداء نماز برآن، در جایگاه مخصوصی قرار دادند حضرتش با کیفیت خاصی بر آن جنازه نماز خواندند که در ضمن چهل تکبیر گفتند و تا آن تاریخ بر هیچکس با این کیفیت نماز نخوانده بودند. بعد از اینکه جعازه را به نزدیکی قبر رساندند آن حضرت داخل قبر گردید و چند لحظه ای در آن، برای اینکه خاک قبر با

«عبدالله بن عباس» می گوید: روزی علی بن ابی طالب «ع» با سیمای غم آلود و چشمان اشکبار در حالی که کلمه «انا لله وانا الیه راجعون» را بر زبان داشت به محضر حضرت رسول اکرم «ص» وارد گردید. حضرتش پرسید یا علی! چه جریانی رخ داده است؟

یا رسول الله مادرم فاطمه بنت اسد (بانوی با شخصیت و جلالتی که دارای فضایل بسیاری در تاریخ اسلام است و یکی از آنها این است که او جزء سبقت جوینان در گرایش به اسلام است و دهمین نفری است که دعوت پیغمبر اسلام «ص» را پذیرفت و از همان تاریخ فداکاری و کوشش در راه پیشرفت اسلام را آغاز کرد و دیگر اینکه هنگام وضع حمل او، دیوارخانه کعبه به احترام او شکافته شد و وی داخل گردید و فرزند بزرگوارش حضرت امیر مؤمنان «ع» را در داخل آن خانه مقدس بدنیا آورد) از دنیا در گذشت.

حضرت پیغمبر «ص» تا این موضوع را

- \* تجسم اعمال و مطالعات فرنگی
- \* پرونده ها هنوز باز است
- \* بهشت و جهنم برزخی
- \* مردگان و زیارت بازماندگان
- \* مردگان با زندگان انس می گیرند
- \* قیافه برزخی

بدن مبارکش تسمان حاصل کند دراز کشیدند پس از آن فرمودند: «یا علی تو هم در قبر داخل شو و به حضرت مجتبی (ع) نیز فرمودند تا داخل قبر گردد و با هم جنازه مقدس فاطمه را داخل قبر نمودند بعد از آن بآنها فرمود که از قبر خارج شوند ولی خود در بالای سر جنازه قرار گرفت (و بمنظور تلقین و کمک به پاسخانی که باید فاطمه به سوال قبر می داد) فرمود: «ای فاطمه! من «محمد» سرور فرزندان آدم هستم و فخر نمی کنم. هنگامی که نکبر و متکبر (دو فرشته ای که از جانب خداوند برای سوال قبر می آیند) آمدند و از تو پرسش بعمل آوردند در پاسخ بگو «خداوند پروردگار من و محمد «ص» پیغمبر من و اسلام دین من و قرآن کتاب من و فرزندان من (حضرت علی «ع») امام من و ولی من است».

از آن پس درباره فاطمه دعا کرد و گفت: پروردگارا فاطمه را ثابت و استوار بدار و از قبر خارج گردید و با دست مبارکش مقداری خاک در قبر فرو ریخت و سپس دست راست را بردست چپ زد و دستها را تکان داد تا خاکهایی که دستهای مبارکش با آن آلوده شده بود فرو بریزد و فرمود: «سوگند به خدائی که جان من در قبضه قدرت او است اکنون فاطمه صدای حرکت دستهای مرا شنید».

در این حال صحابی بزرگوار «عقارب بن یاسر» بمنظور استفسار و روشن شدن بیشتر هدف و فلسفه کارهایی که حضرت پیغمبر «ص» در رابطه با جریان درگذشت فاطمه بشت اسد انجام داده بود از جا برخاست و گفت: «یا رسول الله پدر و مادرم بقریان تو باد چرا بر جنازه فاطمه با کیفیتی نماز خواندید که تاکنون بر هیچ جنازه ای با این ترتیب نماز نخوانده بودید؟

حضرتش فرمودند ای ابا الیقظان (ابوالیقظان کثبه عمار بود) او شایسته این چنین نماز بود و شرحی در فضیلت و سوابق فاطمه سخن گفتند و در ضمن فرمودند: «ابوطالب فرزندان بسیاری داشت ولی نسبت بمن (چون پیغمبر بزرگ اسلام «ص») پس از درگذشت عبدالمطلب که در سن ۸ سالگی پیغمبر «ص» رخ داد به خانه ابوطالب منتقل و در تحت کفالت او درآمد (محبت و مراقبت مخصوصی داشت و آنقدر در تهیه غذا برای من کوشا بود که در برابر آن به گرسنه ماندن فرزندان اهمیت نمی داد و سعی می کرد غذای مرا مرتب کند و نیز به وضع لباس فرزندان اهمیت نمی داد ولی سعی می کرد وضع لباس من مرتب باشد و بطور خلاصه در راه تأمین آسایش من حداکثر کوشش را بجا می آورد.

سپس سوال کرد یا رسول الله «ص» چرا در نماز او ۴۰ تکبیر گفتید؟ فرمودند: «نگاه کردم ۴۰ صنف از فرشتگان الهی را دیدم که بمنظور تجلیل از مقام وی برای نماز خواندن بر جنازه او صف کشیده اند و لذا بتعداد هریک از آن صفوف یک تکبیر گفتم».

و نیز پرسید چرا در داخل قبر او دراز کشیدید؟ فرمودند: «برای تحقق تبرک و تیقن در میان قبر او خوابیدم و برای او دعا کردم» سوگند به آن پروردگاری که روح محمد در قبضه قدرت او است از قبر او بیرون نیامدم تا اینکه ۲ چراغ نورانی در بالای سر و ۲ چراغ در پیشرو و ۲ چراغ در پائین پای او و ۲ فرشته رحمت در برابر او دیدم»<sup>۱</sup>.

از این قبیل نمونه ها در تاریخ و احادیث اسلامی در رابطه با عالم برزخ و معاد فراوان

است و یکی از برنامه های تربیتی اولیای بزرگ اسلام این بود که سعی می کردند در هر فرصتی و مناسبتی مردم را به یادجهان پس از مرگ بیندازند و پرده های غفلت را که در نتیجه سرگرمی زندگی دنیا معمولاً بوجود می آید به کنار بزنند تا انسانها موقعیت و مسیر خود را فراموش نکنند و در تهیه و تأمین آنچه که برای زندگی جاویدان خود لازم دارند کوشا باشند.

و بالاخره در بحث «عالم برزخ» که با توفیق خداوند در ضمن چند مقاله به شرح آن پرداختیم ذکر این چند مطلب نیز لازم بنظر می رسد.

### ۱- نجس اعمال

ما بتوفیق الهی درباره «نجس اعمال» در روز قیامت بحث خواهیم کرد ولی باید توجه داشته باشیم که این موضوع مخصوص قیامت نیست و در عالم برزخ نیز «اعمال نیک» بصورت نیکو و زیبا «واعمال بد» به صورت زشت و نازیبا مجسم خواهد شد و در آن عالم قرین انسان خواهد بود.

ابوبصیر (یحیی بن قاسم اسدی که یکی از محدثین بزرگ است) می گوید: حضرت باقر «ع» و یا حضرت صادق «ع» یکی از این دو امام بزرگوار (زاویان احادیث، بیاناتی را که از ائمه معصومین «ع» می شنیدند و ثبت می کردند ولی گاهی پس از مدتی مخصوصاً نسبت به حضرت باقر و صادق علیهما السلام اشتباه رخ می داده است که از کدام یک این حدیث را شنیده اند) فرمودند: هنگامی که مؤمن از دنیا رفت و او را در آغوش قبر گذاشتند ۶ صورت زیبا و نورانی با او وارد قبر می کردند که یکی از آنها از بقیه نورانی تر و زیباتر و پاکیزه تر است.

# معاد عالم برزخ

سپس یکی از آنها در طرف راست و یکی در طرف چپ و سومی در پیشروی او و چهارمی در پشت سر و پنجمی در پائین پا قرار می‌گیرند و آن صورتی که از همه زیباتر و نورانی‌تر و پاکیزه‌تر بود در بالای سر او می‌ایستد و از آنها می‌پرسد که شما که هستید؟

در پاسخ او آنکه در طرف راست ایستاده است می‌گوید: «من نماز هستم» و آنکه در جانب چپ است می‌گوید: «من زکاة هستم» و آنکه در پیشرو است می‌گوید: «من روزه هستم» و آنکه در پشت سر قرار گرفته است می‌گوید: «من حج و عمره می‌باشم» و آنکه در پائین پا ایستاده است می‌گوید: «من نیکی و احسانهایی هستم که این شخص دربارهٔ برادران مؤمن خود انجام داده است».

بعد از آن، آنها از آنکه بالای سر ایستاده بود می‌پرسند تو که هستی که از همه ما زیباتر و نورانی‌تر و پاکیزه‌تر می‌باشی؟

او در پاسخ می‌گوید: «من ولایت اهل بیت پیغمبر می‌باشم».

البته احادیث بسیاری در رابطه با تجسم اعمال در عالم برزخ وجود دارد که اکنون برای نمونه بهمین یک حدیث اکتفا گردید.

## ۲- پروندهٔ انسان در عالم برزخ باز است.

یکی از موضوعاتی که در رابطه با عالم

برزخ نیز باید به آن متوجه بود این است که پس از مرگ پروندهٔ انسان مختوم نمی‌شود و تا هنگامی که او در عالم برزخ است آثار و عواقب اعمالی که در زندگی دنیا انجام داده است، چه نیک و چه بد، با او می‌رسد و در پرونده‌اش ثبت می‌گردد.

در این مورد در قرآن کریم می‌خوانیم: «وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَآثَارَهُمْ وَكُلِّشْنَاهُ بِأَخْصِيَانَهُ»

فی امام مبین<sup>۲</sup>.

یعنی اعمالی را که در زندگی دنیا انسانها انجام داده‌اند می‌نویسیم و همچنین آثاری را که پس از مرگ باقی گذاشته‌اند ثبت می‌کنیم (چه آثار نیک از قبیل تعلیم و تربیت صحیح و مفید، تألیف کتابها و نوشتن مقاله‌های سودمند، تأسیس مساجد، مدارس، بیمارستانها، دانشگاهها و مراکز مفید، وقف زمینها و مزارع و صدقات جاریه در راه خدا، ایجاد جاهها و چشمه‌ها و بالاخره تأسیس سنت حسنه و چه آثار بد از قبیل تأسیس مراکز فساد و فحشاء و تعلیم مطالب و معلومات زسانبخش، ایجاد بدعت در دین و تأسیس سنت‌های بد و منحرف کشنده<sup>۱</sup>) و همه چیز و همهٔ حوادث این جهان را در کتابی استوار به شماره آورده‌ایم.

در این زمینه نیز احادیث فراوانی از اهل بیت عصمت و طهارت سلام الله علیهم وارد گردیده است که به نقل ۲ روایت از آنها می‌پردازیم.

الف. محدث عالی‌مقام صدوق رضوان الله علیه در کتاب خصال و امالی از حضرت صادق<sup>ع</sup> نقل می‌کند که فرمودند:

«شش چیز است که پس از مرگ برای افراد مؤمن نتیجه بخش است:

۱- فرزند شایسته‌ای که برای او از خداوند طلب مغفرت می‌کند.

۲- قرآنی که از وی باقی مانده و تلاوت می‌شود.

۳- جاهی که ایجاد کرده است.

۴- درختی که آنرا نشانده است.

۵- آبی که آنرا بحیران انداخته است.

۶- سنت حسنه و طریقهٔ نیکی که پس از او مورد عمل قرار گرفته است»<sup>۵</sup>.

به حضرت باقر<sup>ع</sup> فرمودند:

هر یک از بنندگان خدا که سنت هدایت و نیکی را تأسیس کند خداوند به او اجر و پاداشی معادل اجر و پاداش کلیهٔ کسانی که به آن سنت عمل می‌کنند خواهد داد بدون آنکه از اجر آنها چیزی کاسته شود.

و هر یک از بنندگان خدا که سنت ضلالت و انحرافی تأسیس نماید خداوند بر او گناهی معادل کلیهٔ گناهانی که برای عمل کنندگان به آن سنت می‌نویسد خواهد نوشت بدون آنکه از گناهان آنها چیزی کاسته شود.<sup>۶</sup>

همانطور که گفته شد این‌ها نمونه است و بطور کلی کلیهٔ اعمال خیر یا شر که با آن میت ارتباط پیدا می‌کند با او می‌رسد و در پرونده‌اش ثبت می‌شود.

## ۳- بهشت و جهنم برزخی

ابراهیم فرزند اسحاق از حضرت صادق<sup>ع</sup> تقاضا کرد که دربارهٔ ارواح مؤمنین که پس از مرگ به کجا منتقل می‌شوند و در چه وضعی هستند توضیحاتی بدهند.

حضرتش در پاسخ فرمودند:

ارواح مؤمنین در غرفه‌های بهشتی قرار می‌گیرند و از غذاهای بهشتی استفاده می‌کنند و از آشامیدنیهای بهشتی می‌نوشند و بملاقات یکدیگر می‌روند و دعا می‌کنند.

که پروردگارا قیامت را برپا بدار و وعده‌هائی را که بما داده‌ای عملی ساز. و ارواح کفار در حُجَره‌های آتش بسر می‌برند و از غذاهای جهنم می‌خورند و از آشامیدنیهای جهنم می‌نوشند و بملاقات یکدیگر نیز می‌روند و از خداوند تقاضا می‌کنند که قیامت را برپا نکند و آن وعده‌هائی را که بکفار داده است محقق نگرداند.<sup>۷</sup>

ضمناً باید توجه داشت که این بهشت و جهنم غیر از بهشت و جهنمی است که پس از قیام قیامت، وعده‌گاه انسانها است.

#### ۴- مردگان برای زیارت بازماندگان خود می‌آیند

در احادیث متعددی بر این مطلب تأکید شده است که مردگان هرگز از اوضاع و احوال بازماندگان خود بی‌اطلاع نیستند و برای ملاقات آنها می‌آیند و از احوال آنها اطلاع پیدا می‌کنند.

حضرت صادق «ع» فرمودند:

«هیچ مؤمن و کافری نیست مگر اینکه هنگام ظهر برای دیدار بازماندگان خود می‌آید و مؤمن در وقت ملاقات هنگامی که می‌بیند بازماندگانش کارهای نیک انجام می‌دهند خشنود می‌گردد و حمد و ستایش خداوند را بجا می‌آورد و کافر هنگامی که به بیند بازماندگانش کار نیک انجام می‌دهند حسرت می‌خورد که چرا او از این قبیل کارها را در زندگی انجام نداده است.»<sup>۸</sup>

اسحاق فرزند عمار از حضرت موسی بن جعفر «ع» پرسید آیا مردگان برای دیدار بازماندگان خود می‌آیند؟ حضرتش فرمودند: «بلی»؛

پرسید: «در فاصله چه مدتی برای دیدار می‌آیند؟»

فرمودند: «در هر روز در ۲ روز و در ۳ روز و در هر یک هفته و در هر یکماه و در هر یکسال و این تفاوت مدّت با اعمال آن مردگان بستگی دارد تا قدر و منزلت آنان پیش خداوند چه اندازه باشد»<sup>۹</sup>؟

و آنها در وقت ملاقات چون ببینند که آنها کارهای خیر و شایسته انجام می‌دهند خشنود می‌گردند و چون ببینند که آنان در شرّ و فساد بسر می‌برند غمناک می‌شوند.<sup>۹</sup>

#### ۵- مردگان با کسانی که زیارت قبور آنها می‌روند انس می‌گیرند و خشنود می‌شوند.

احادیث بسیاری مردم را تشویق می‌کند که زیارت قبور مردگان بروید و این موضوع را فراموش نکشید: حضرت امیرمؤمنان «ع» فرمودند: زیارت قبور مردگان بروید که آنها از این موضوع خشنود می‌شوند و سپس اضافه کردند: هر یک از شما حاجت خود را در کنار قبر پدر و کنار قبر مادر خود پس از آنکه برای آنان دعا کرد از خداوند بخواهد.<sup>۱۰</sup>

اسحاق بن عمار از حضرت موسی بن جعفر «ع» پرسید: آیا مؤمن کسانی را که زیارت قبر او می‌روند می‌شناسد؟

حضرتش فرمودند: بلی و بسا او تا هنگامی که در کنار قبر است انس می‌گیرد و هنگامی که ازجا برمی‌خیزد و می‌خواهد برگردد احساس ناراحتی می‌کند.<sup>۱۱</sup>

بطور خلاصه زیارت قبور علاوه بر اینکه وسیله عبرت گرفتن و تنبّه و بیدار شدن است و لذا اولیاء خدا همیشه بر آن مراقبت داشتند، وسیله ارتباط با مردگان نیز می‌باشد.

#### ۶- قیافه برزخی

و چون این راه راهی است که ما هنوز نرفته‌ایم و از آنچه در این مسیر واقع خواهد شد اطلاع نداریم لازم است کلیتاً جریانه‌ها و خصوصیات این مسیر را از مکتب وحی و از اهل بیت عصمت و طهارت «ع» فرا بگیریم.

و بطور مسلم کسانی که علم و اعتقاد خود را از این مکتب و از این بیت فرا نگرفته‌اند در اشیاء خواهند افتاد و آخرین مطلبی که در این مقاله بذکر آن می‌پردازیم در رابطه با قیافه برزخی است.

حضرت صادق «ع» فرمودند خداوند هنگامی که ارواح مؤمنان را قبض می‌کند آنرا در قیافه و قالبی مانند قیافه و قالبی که در دنیا داشتند قرار می‌دهد و تا بر پا شدن قیامت از نعمت‌های الهی منتعم می‌گردند و از غذاهای برزخی می‌خورند و از آشامیدنیهای آن جهان می‌آشامند و بطوری قیافه آنها با قیافه‌ای که در دنیا داشتند شباهت دارد که یکتاگر که از دنیا می‌رود و روحش به آنجهان وارد می‌گردد آنها را کاملاً تشخیص می‌دهد و می‌شناسد.<sup>۱۲</sup>

ادامه دارد

- ۱- لمالی صدوق ص ۲۸۰.
- ۲- بحار الانوار ج ۶ ص ۲۳۴.
- ۳- سوره یس آیه ۱۳.
- ۴- مجمع البیان ج ۸ ص ۴۱۸ و تفسیر المیزان ج ۱۷ ص ۶۸.
- ۵- خصال ص ۳۲۳ و لمالی ص ۱۰۲.
- ۶- بحار الانوار ج ۶۸ ص ۲۵۸.
- ۷- اصول کافی ج ۳ ص ۲۴۴ و بحار الانوار ج ۶ ص ۲۳۴.
- ۸- اصول کافی ج ۳ ص ۲۳۰.
- ۹- اصول کافی ج ۳ ص ۲۲۸.
- ۱۰- بحار الانوار ج ۶ ص ۲۲۹.